دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان فقه تربیتی
سال هجدهم/ شماره ۳۲/ پاییز و زمستان ۱۴۰۵

Two quaterly scientific- specified educational jurisprudences association
Years, 18 No.32, Autumn & Winter 2026

شیوه و روش تربیتی قرآنی در سوره تحریم

□ محمدنذیر *

چکیده

روش‌های تربیتی از مهم‌ترین مباحث علوم تربیتی به شمار می‌روند که نقش اساسی در ایجاد، اصلاح، تثبیت و تقویت رفتارها و ارزش‌های اخلاقی دارند. قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی تربیت اسلامی، روش‌های متنوعی را برای پرورش انسان و هدایت فرد و جامعه ارائه کرده است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین روش‌های تربیتی در سوره تحریم، به بررسی آیات این سوره و دلالت‌های تربیتی آن‌ها پرداخته است. این مقاله با تحلیل آیات قرآن کریم و منابع تفسیری و تربیتی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روش‌های تربیتی سوره تحریم را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد: نخست، روش‌های ایجادی که با هدف ایجاد رفتارها و صفات پسندیده به کار می‌روند و شامل الگودهی، داستان‌گویی، تشویق، انذار و تبشیر و تکریم شخصیت هستند؛ دوم، روش‌های اصلاحی که در جهت کاهش و اصلاح رفتارهای ناپسند به کار می‌روند و روش‌هایی همچون موعظه، تغافل و چشم‌پوشی، مقایسه اعمال، توبه و امر به معروف و نهی از منکر را در بر می‌گیرند؛ سوم، روش‌های تثبیتی و تقویتی که به پایداری و تقویت ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کنند و شامل ایجاد بینش، مجازات متناسب با خطا، فریضه‌سازی، مواجهه با نتایج اعمال و عطا و حرمان می‌شوند. بررسی آیات سوره تحریم نشان می‌دهد که این سوره با بهره‌گیری از الگوهای مثبت و منفی، هشدار نسبت به پیامدهای رفتار، دعوت به توبه و تأکید بر مسئولیت‌پذیری فردی و خانوادگی، الگویی جامع برای تربیت اخلاقی ارائه می‌کند. بر این اساس، به‌کارگیری متناسب و هدفمند این روش‌ها می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی، اصلاح رفتار و تقویت فضایل انسانی نقش مؤثری داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: سوره تحریم، روش‌های تربیتی، تربیت اسلامی، تربیت اخلاقی.

---

* دکتری حدیث تطبیقی، مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعة المصطفیﷺ پاکستان (abumaisammaisam6@gmail.com).

مقدمه

روش‌های تربیتی از مباحث اساسی علوم تربیتی‌اند که در انتقال، نهادینه‌سازی و اصلاح ارزش‌ها و رفتارهای انسانی نقش مهمی دارند. قرآن کریم به‌عنوان منبع بنیادین تربیت اسلامی، روش‌های متنوعی را برای پرورش انسان ارائه می‌کند. با توجه به تفاوت استعدادها و ظرفیت‌های افراد، انتخاب روش تربیتی متناسب با شرایط متربی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سوره تحریم نیز با بهره‌گیری از آموزه‌ها و الگوهای گوناگون، ظرفیت قابل‌توجهی برای تبیین روش‌های تربیتی دارد. در این مقاله، روش‌های تربیتی این سوره در سه دسته کلیِ ایجادی، اصلاحی و تثبیتی و تقویتی طبقه‌بندی و بررسی می‌شوند.

مفهوم‌شناسی

روش

روش در لغت به معنای طرز، طریقه، اسلوب و شیوه حرکت است (دهخدا: لغت‌نامه ۲/ ۲۴۰۵؛ انوری: فرهنگ فشرده سخن/ ۲۲۱۳؛ عمید/ ۲/ ۱۲۴۲)

در اصطلاح تربیتی، روش مجموعه‌ای از شیوه‌ها و قواعد عملی است که مربی با بهره‌گیری از آن‌ها، اصول تربیتی را به کار می‌گیرد و زمینه تحقق اهداف تربیت و یادگیری متربی را فراهم می‌سازد.(احمدی: اصول و روش‌های تربیتی در اسلام / ۷۰) همچنین، روش مجموعه‌ای از قواعد منظم و قابل‌اعتماد است که با رعایت آن‌ها می‌توان به‌تدریج و بدون تلاش غیرضروری، به شناخت حقیقت دست یافت. (بهشتی و دیگران: آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن/ ۳/ ۲۶۵).

پس روش به معنای طریقه و شیوه کار می‌باشد و به تدابیری اطلاق می‌شود که با استفاده از اصول برای کشف و شناخت حقیقت به کار برده می‌شود.

تربیت

واژه «تربیت» از ریشه «ر ب و/ ر ب ی» گرفته شده و در لغت بر مفاهیمی چون رشد، بالندگی و کمال دلالت دارد.(فراهیدی: ۸/ ۲۸۴؛ ابن‌منظور: ۱۴/ ۳۰۵). راغب اصفهانی نیز آن را فرایند هدایت و پرورش تدریجی انسان تا دستیابی به کمال می‌داند. (اصفهانی: ۳۴۰)

در اصطلاح، تربیت فرایندی هدفمند برای فراهم‌سازی زمینه‌های رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه انسان و هدایت تدریجی او به سوی کمال است.بر این اساس، تربیت به معنای پرورش هماهنگ قابلیت‌های وجودی فرد و فعلیت‌بخشی به توانمندی‌های نهفته اوست. (امینی،۱۳۷۲: ۱۲؛ مطهری،۱۳۶۷: ۱۴)

روش اول: روش‌های تربیت ایجادی

در روش‌های رفتاری ایجاد یک رفتار یا صفت جدید با نظام خاص نقش اساسی دارد، بدین جهت در تعریف آن گفته شده: «هر گاه مربی بخواهد در چارچوب نظام تربیتی خاص و بر اساس اصول پذیرفته شده در آن نظام، حالت یا صفت یا رفتاری را در متربی به وجود بیاورد، نا گزیر باید به گونه ای روشمند و بسامان، رفتاری ویژه پیشه کند، چنین رفتاری را می‌توان روش ایجادی نامید».(محمد، بهشتی، ج۳، ص۲۷۱)

و به عبارت واضح «روشهای ایجادی، آن دسته از روش‌های تربیتی‌اند که هدف از آنها، ایجاد یک رفتار یا صفت تازه نیک و پسندیده در متربّی می‌باشد» قابل ذکر است که کارکرد برخی روشها، تنها به یک حوزه خاص (اصلاح رفتار یا ایجاد رفتار) خلاصه نمی شود بلکه در دو جنبه کار آیی دارند مثل روش موعظه و نصیحت که می‌تواند هم برای ایجاد و هم برای اصلاح یک رفتار به کار رود. به این گونه روش‌ها گاهی، روش‌های عام گفته می‌شود.(حاجی ده آبادی،در آمدی بر نظام تربیتی اسلام،ص۱۳۵)در این روش، به بررسی روش‌های تربی ایجادی پرداخته می‌شود که اهم آنها عبارتند از: روش الگویی، داستان گویی، تشویق، انزار و تبشیر، استفاده تکریم شخصیت می‌باشد.

۱. روش الگویی

انسان به فطرت خود عشق به کمال مطلق است، الگو طلب و الگو پذیر است و بدین سبب یکی از بهترین و کوتاه‌ترین ارائه نمونه وتربیت عملی است. در این روش نمونه ای عینی و قابل تقلید و پیروی در برابر متربی قرار می‌گیرد که در صورت مقبولیت، متربّی تلاش می‌کند در همه چیز خود را همانند الگوی مطلوب سازد و گام در جای گام او نهد و بدو تشبّه نماید . این

روش به دلیل عینی و محسوس بودنش و نیز به سبب میل و گرایش ذاتی انسان به الگو گیری، روش بسیار موثر و سریع در تربیت است؛ و هر چه نمونه ارائه شده از کمال بیش تر و جاذبه فراگیر تری بهره مند باشد، این روش از کارآیی بیش تری برخوردار خواهد بود. پس بهترین الگو، نمونه ای تامّ و تمام و انسان کامل است. (دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۲۴۳) در سوره تحریم برای تربیت عملی انسان در وجوه مختلف الگو معرفی شده است.چنانچه در آیه یازدهم زنان حضرت نوح علیه‌السلام وحضرت لوط علیه‌السلام را برای کافران الگو قرار داده است و در آیه یازده و دوازده زن فرعون و حضرت مریم‌علیهاالسلام را برای مومنان الگو قرار داده است .

(ضَرَبَ اللَّه مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تحَتَ عَبْدَينِ مِنْ عِبَادِنَا صَلِحَينْ فَخَانَتَاهمَا فَلَمْ يغْنِيا عَنهمَا مِنَ اللَّه شَيا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ --)(وَ ضَرَبَ اللَّه مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبّ ابْنِ لىِ عِندَكَ بَيتًا فىِ الْجَنَّةِ وَ نجّنىِ مِن فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِه وَ نجّنىِ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ-)(وَ مَرْيمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتىِ أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنَا فِيه مِن رُّوحِنَا وَ صَدَّقَتْ بِكلَمَاتِ رَبها وَ كُتُبِه وَ كانَتْ مِنَ الْقَانِتِين. (تحریم/ ۱۰-۱۲). زنان حضرت نوح علیه‌السلام و حضرت لوط‌علیه‌السلام علی رغم مساعدترین امکان تربیتی، یعنی سرپرستی دو پیامبر بزرگ خدا‌علیه‌السلام، به حق پشت کردند و کفر پیشه نمودند و الگویی برای کفر پیشگی شدند. اما در مقابل، دو بانوی بزرگوار (حضرت آسیه و حضرت مریم‌علیهاالسلام) علی رغم نا مساعدترین اوضاع و احوال، به حق روی کردند و ایمان را در جان خود باور نمودند و الگویی برای اهل ایمان شدند .

۱-۱. نقش الگوها در تربیت

تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی باروش الگویی شکل می‌گیرد. کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه اول پدر و مادر اویند، الگو برداری می‌کند و تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی اش سامان می‌یابد. از این رو روش الگویی در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک به شدّت نقش دارد. تلقّی کودکان از والدین در سال‌های نخست کودکی به نقش الگوی آنان در جهت مثبت یا منفی دامن

می‌زند، زیرا کودکان در این ایام همه چیز خود را از والدین و وابسته به ایشان می‌دانند.(دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص۲٤٤). چنانچه در حدیثی از امام رضاؑ آمده است:

بَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا إِلَيهِمْ فَإِنَّهمْ يظُنُّونَ أَنَّكُمْ تَرْزُقُونَهمْ (نوری، مستدرك الوسائل، ج۱۵، ص۱۷۰). به فرزندانتان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید .

پس از والدین، شخصیت‌های که دارای نفوز معنوی‌اند، نقش الگویی به سزایی در تربیت بازی می‌کنند، به گونه ای که تمام ویژگی‌های فکری و روحی و جلوه‌های رفتاری آنان مورد تقلید قرار می‌گیرد. هرچه قدرت نفوذ الگوها بیشتر و زمینه پذیرش آماده تر باشد، نمونه برداری کامل تر صورت می‌گیرد. از میر مومنانؑ روایت شده که فرمود: «**النَّاسُ بِأُمَرَائِهِمْ أَشْبَه مِنْهمْ بِآبَائِهِمْ**» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۸) مردم به زمام داران خود شبیه ترند تا به پدران خود. به همین دلیل است که است که نقش الگوها حساس‌ترین نقش تربیتی است تا جای که الگوهای صالح، مردم را به صلاح می‌رسانند و الگوهای فاسد مردم را به فساد می‌کشانند. از پیامبر اکرم ص روایت شده است که فرمود:

صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِی إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِی وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِی قِيلَ يا رَسُولَ اللَّه وَ مَنْ هما قَالَ الْفُقَهاءُ وَ الْأُمَرَاءُ (ابن بابویه، الخصال، ج۱، ص۳۷). دو گروه از امّت من باشند که چون صالح شوند، امّتم صالح شود؛ و چون فاسد شوند، امّتم فاسد شود. (گفتند: ای رسول خداﷺ، آنان چه کسانی اند؟ فرمود:) فقیهان و زمام داران.

۲. روش داستان گویی

یکی از روش‌های تربیتی ایجادی قصه و داستان گویی است که تاثیر فوق العاده ای در تربیت انسان‌ها دارد. داستان و قصه میتواند سرگذشت وقایعی باشد که واقعا در خارج تحقق پیدا کرده است یا اموری افسانه ای و خیالی که انسان‌ها ساخته و پرداخته اند. انسان‌ها مایل به شنیدن خاطرات و وقایعی گذشته گان و پیشینیان، خصوصا آنها که با او تعلقی دارند، می‌باشند. به علاوه انسان‌ها قادر به تخیل، تجسّم و خلق صحنه هایی‌اند که هیچ گونه واقعیت خارجی ندارد، اما برای شان لذت آفرین و ثمر بخش است. فایده تربیتی داستان زمانی مشهورد تر

است که نکات و عبرت‌های داستان، را به صورتی متصل به داستان و با تاکید زیاد بیان شود. (حاجی ده آبادی،در آمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص۱۳۹-۱٤۰)

خداوند در سوره تحریم از این روش بسیار استفاده کرده و در ضمن این داستان‌ها فضائل و رذائل اخلاقی را به تصویر کشیده است. چنانچه در این سوره باوجود کم بودن آیات آن به داستان‌های متعددی از قبیل داستان زنان حضرت نوح علیه‌السلام و حضرت لوط علیه‌السلام ، داستان پیامبر و زنان آن حضرت، داستان حضرت آسیه و مریم علیهاالسلام اشاره شده است. هدف قرآن کریم از قصه گویی آموختن تاریخ نیست. شان قرآن بالاتر از بیان تاریخ (به طور کلی) و تمامی علوم است. بلکه هدف قرآن کریم از قصه، پیام‌های آن است که در قالب‌های متعددی نکات رسا، گویا و پند و اندرز و عبرتی برای تربیتی مخاطبان مطرح کرده است.

۲-۱. داستان برخی از زنان پیامبر

خدای متعال می‌فرماید:

يأَيها النَّبِي لِمَ تحُرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّه لَكَ تَبْتَغِى مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَ اللَّه غَفُورٌ رَّحِيمٌ (قَدْ فَرَضَ اللَّه لَكمُ تحَلَّةَ أَيمَانِكُمْ وَ اللَّه مَوْلَئكمُ وَ هوَ الْعَلِيمُ الحْكِيمُ)(وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِي إِلىَ بَعْضِ أَزْوَاجِه حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِه وَ أَظْهرَه اللَّه عَلَيه عَرَّفَ بَعْضَه وَ أَعْرَضَ عَن بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَها بِه قَالَتْ مَنْ أَنبَأَكَ هاذَا قَالَ نَبَّأَنىِ الْعَلِيمُ الْخَبِير.

(تحریم/ ۱-۳) در طول تاریخ بسیارند بزرگانی که همسرانی در شان خود نداشتند، و از عدم اجتماع شرائط لازم در آنها رنج می‌بردند که در قرآن مجید نیز نمونه‌هایی از آنها در میان انبیای بزرگ ذکر شده است.

آیات فوق نشان می‌دهد که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به بعضی از همسرانش چنین بود، آنها به خاطر رقابت‌هایی که با یکدیگر داشتند گاه روح پاک حضرتش را جریحه‌دار می‌کردند، و گاه به اعتراض نسبت به او و یا افشاء سرش می‌پرداختند، تا آنجا که خداوند به سرزنش آنان و دفاع از پیامبرش پرداخته و مؤکدترین بیان را در این زمینه فرموده و حتی آنها را تهدید به طلاق می‌کند، و چنان که بعد از ماجرای آیات فوق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حدود یك ماه از همسرانش قهر کرد، شاید خود را اصلاح کنند! اصولا تاریخ زندگی آن حضرت ص به خوبی نشان می‌دهد که

بعضی از همسران پیامبرﷺ نه تنها معرفت لازم را نسبت به مقام نبوت نداشتند، بلکه گاه او را همچون یک فرد عادی مورد بازخواست، و حتی خدای نکرده مورد اهانت قرار می‌دادند! با توجه به صراحت آیات فوق وبنابراین اصرار بر این معنا که همه آنها افرادی شایسته و کاملی بوده‌اند بی‌دلیل به نظر می‌رسد با توجه به صراحت آیات فوق.

تاریخ اسلام نسبت به زنان بعد از پیامبرﷺ مخصوصا داستان جنگ" جمل" نیز نشان داد که این معنی نه تنها در عصر آن حضرتﷺ، که بعد از او نسبت به جانشینانش نیز تکرار شده است.اصولا تعبیر آیات فوق که می‌گوید:" هرگاه پیامبر شما را طلاق دهد خداوند زنانی از شما بهتر که واجد صفات ششگانه مذکور در آیه باشند به او می‌دهد" بیانگر این واقعیت است که لا اقل بعضی از همسران حضرت واجد این شرایط نبودند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۲٤، ص۲۸۳)

۲-۲. نقش تربیتی داستان‌گویی

روش داستان‌گویی در تربیت انسان نقش بسزایی دارد؛ زیرا تجسّم عینی زندگی یک امت و تجربه عملی یک ملّت است. تاریخ آئینه ملت‌هاست و هرچه با تاریخ و سرگذشت پیشینیان آشنا باشیم، گویا به اندازه عمر آن مردم زندگی کرده‌ایم. حضرت علیؑ قصه گویی را روش تربیت موثر دانسته، به فرزندش امام حسنؑ سخن جامع فرمود: «پسرم اگرچه من به اندازه مردمی که پیش از کن بوده‌اند عمر نه کرده‌اند، ولی در کردارشان دقت، و دراخبارشان فکر نموده، و در آثارشان سیاحت کرده ام، تا جای که همانند یکی از آنان شده ام، بلکه گویی از پی آنچه که از وضع آنان به من رسیده عمرم را با اولین و آخرین شان گذرانیده ام، زلال اعماشان را از تیرگی، و سود و زیان کردارشان را شناختم، از این رو از هرچیزی پاکیزه و خالصش را برایت انتخاب کردم، و از میان آن همه برنامه زیبایش را برایت برگذیدم، و نامعلوم آن را از تو دور داشتم، چون به امورت همانند پدری مهربان عنایت داشتم، و قصد ادب آموزی تو را در خاطر می‌گزراندم، مصلحت دیدم تو را با این روش تربیت کنم». (نهج البلاغه، ترجمه: حسین انصاریان، ص٦٢٣-٦٢٤). داستان گویی نقش مهمی رد ایجاد ورشد آگاهی و بصیرت دارد و دارای جزابیتی است که روش‌های دیگر فاقد آنند و بیانگر راه‌های غلبه بر مشکلات و موانع

زندگی هستند و نگرش ها، انگیزه‌ها و رفتارهای تربیتی مطلوب را در متربی ایجاد نموده درونی اش می‌کند.

۳. روش تشویق

یکی دیگر از روش‌های ایجادی، روش تشویق است. در معنای آن، تشویق به معنای انجام هر گونه عملی است که سبب ایجاد، یا افزایش رفتار در متربی گردد، در این صورت تبشیر نیز نوعی تشویق است. اما در اصطلاح تربیتی باید بین این دو تفاوت قائل شد. روش تشویق عبارت است از: «ارائه یک محرک مطلوب (از نظر شخص متربی)، پس از انجام رفتار مطلوب، به منظور افزایش، تکرار و تثبیت آن در اعمال و رفتار می‌باشد». روش «تشویق» راهی مناسب در بر انگیختن متربّی به سوی خیر و صلاح و بازداشتن او از شر و فساد است. و چنانچه ای روش بدرستی و بر اساس آداب آن به کار گرفته شود، نقشی موثر و مفید در تربیت و سازندگی شخصیت متربّی دارد. تشویق متربّی را به وجد و هیجان آورده با ایجاد شوق و رغبت و تقویت روحیه و اعتماد به نفس، او را برای به کار گیری تمام نیرو و استعداد خود در ایجاد و پرورش فضائل اخلاقی آماده می‌کند. ازاین رو می‌توان گفت مهمترین اثر تربیتی تشویق، ایجاد انگیزش در متربّی است که از جمله شرایط اصلی و ضروری در مسئله تربیت به شمار می‌آید. همچنین، تشویق با ایجاد حالت رضامندی و خوشنودی از عمل متربّی، ارزش و اهمیّت رفتاری را که موجب تشویق وی شده در نظرش بالا می‌برد، و در نتیجه باعث می‌شود تا در انجام وظایف بعدی بهتر، بیشتر و دقیق تر سعی کرده، برای پذیرش مسئولیت‌های دیگر از خود آمدگی نشان دهد. (سید صغیر حسین شاه، بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن، پایان نامه ارشد ص۶۳.)

خداوند در سوره تحریم از این روش استفاده کرده و مردم را به توبه دعوت نموده چنانچه در آیه ۸ این سوره می‌فرماید:

يأَيها الَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُواْ إِلىَ اللَّه تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسىَ رَبُّكُمْ أَن يكَفِّرَ عَنكُمْ سَياتِكُمْ وَ يدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تجَرِى مِن تحَتِها الْأَنْهارُ يوْمَ لَا يخُزِى اللَّه النَّبىِ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَه نُورُهمْ يسْعَى بَينْ أَيدِيهِمْ وَ بِأَيمَانهِمْ يقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا

إِنَّكَ عَلىَ كُلّ شىَءٍ قَدِير. (تحریم/ ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می‌گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی!

چنانچه در این آیه مردم را به توبه نصوح و توبه خالصانه دعوت می‌کند. توبه ای که دل را نصیحت کتد و اندرز دهد و آن را نجات و رهائی بخشد، و گذشته از این، به دل خیانت نکند و دل را گول نزند. توبه از گناه و سرکشی، توبه ای که با پشیمانی از کاری که شده است می‌آغازد، و به کار نیک و طاعت و عبادت می‌انجامد. توبه در این صورت است که دل را نصیحت می‌کند و اندرش می‌دهد، و آن را از ته نشستهای گناه‌ها و بذه‌ها و تیرگیهای معصیت‌ها می‌رهاند، و به دنبال آنها دل را بر کار نیک تشویق می‌کند و بر می‌انگیزد. توبه خاصانه این است، توبه ی که بعد از انجام گرفتن پیوسته دل را تذکر می‌دهد و یاد آور می‌کند و به اندرزش می‌نشیند و دیگر دل به سوی گناهان بر نمی گردد. وقتی که همچون توبه ای انجام بپذیرد جای امید است که یزدان سبحان بدی‌ها و بزه‌ها را بدان محو کند و از میان ببرد، و مومنان را به باغ‌های بهشت درآورد، در آن روز و روزگاری که کافران را در آن خوار و رسوا می‌سازد همان گونه که در صحنه پیشین روند قرآنی گذشت، و پیامبراکرم ﷺ کسانی را خوار و رسوا نمی سازد که با او ایمان آورده اند. این تشویق و ترغیبی است که باید بدان چشم طمع دوخت، و بزرگداشت سترگی است باید به انتظارش نشست، اینکه خداوند مهربان مومنان را به پیغمبرﷺ می‌پیوندد و ایشان را با او یک صف می‌گرداند در روزی که روز خوار داشتن و رسوا کردن است! آنگاه برایشان نوری را هم تحیه می‌بیند که در پرتوی آن در آن روز هولناک و سخت و وحشت انگیز شناخته می‌شوند. نوری است که در پرتوی آن ازدحام انبوه و درهم لولیدن راهیاب می‌گردند.نوری است که پیشاپیش آنان و در سوی راستشان حرکت و پرتو افشانی می‌کند رو به جانب بهشتی که در پایان گشت و گذار است. (سید قطب، فی ظلال القرآن،ج٦، ۳۹۸-۳۹۹)

۳-۱. نقش تربیتی تشویق

هیچ چیزی مانند تشویق صحیح و به جا و به اندازه مردمان را به تلاش و درستکاری بر نمی انگیزد، زیرا انسان به فطرتش که عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص است، میل به کمالات و نیکویی وتشویق و قدر دانی دارد؛ و همان طور که فطرت اصلی آدمی عشق به کمال مطلق است و فطرت تبعی او انزجار از نقص، تشویق و قدر دانی، اصلی، و تنبیه و مجازات، تبعی است؛ و فقط آن هنگام مجاز است که چاره ای جز آن برای بیداری و اصلاح و مداوا نباشد. هر انسانی به فطرت خود متمایل به کاملتر شدن است و تشویق آدمی در این جهت و قدر دانی از آنچه در این راه به دست آورده است، او را بیشتر برمی انگیزد و دلگرم می‌کند؛ و اگر نسبت به تلاش او در کسب کمالات بی اعتنایی شود، موجب کاهش انگیزه و دلسردی اش می‌گردد. امیر مومنان علی‌علیه‌السلام در این باره به «مالک اشتر» چنین سفارش کرده است: و اوصل فی حسن ثنا علیهم؛ آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند بر شمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیر شان را [به کوشش و حرکت بیشتر] بر انگیزاند و از کارمنده را به خواست خدا [به کار و تلاش] ترغیب نماید. بنابراین اگر اشتیاق چیزی در آدمی شکل گیرد، انسان برای رسیدن به آن تمام تلاش خود را می‌کند و فرصتی را از دست نمی دهد. آنچه در تربیت مهم است این است که اشتیاق آدمی بر انگیخته شود و هیچ چیز چون تشویق و قدردانی در این امر کارساز نیست. اولیای الهی برای سیر دادن مردمان به مقصد تربیت اشتیاق به آخرت و رضوان الهی را بر می‌انگیختند و از این راه مردمان را از بدی‌ها دور می‌ساختند و به نیکی‌ها وا می‌داشتند.(دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص۳۵۰-۳۵۳).امیر مومنان‌علیه‌السلام فرموده است: «**فَمَنِ اشْتاقَ اِلَی الْجَنَّةِ سَلا عَنِ الشَّهواتِ...**» (نهج البلاغة، حکمت۳۱). هر که مشتاق بهشت باشد، خود را از شهوت‌ها دور نگه دارد. پیشوای پرهیز گاران سفارش کرده است که از این راه به اصلاح و تربیت بپردازید: «شوقوا انفسکم الی نعیم الجنه»؛ نفس‌های خود را به سوی نعمت بهشت مشتاق کنید. شوق به آخرت و لقای حق بهترین مشوّق در تربیت است و اگر به درستی مطرح گردد، زمینه سعادت این جهانی و آن جهانی را فراهم می‌کند. از امیر مومنان‌علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

إِنَّمَا اَلسَّعِيدُ مَنْ خَافَ اَلْعِقَابَ فَأَمِنَ وَ رَجَا اَلثَّوَابَ فَأَحْسَنَ وَ اِشْتَاقَ إِلَى اَلْجَنَّةِ فَأَدْلَجَ. (میرزا حسین النوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،ج۱۱، ص۲۲۷). به راستی نیک بخت کسی است که از عذاب بیم داشته باشد و خودرا ایمن سازد، و به ثواب امید داشته باشد و نیکویی کند، و مشتاق بهشت باشد و اول شب به راه افتد .

۴. روش انذار و تبشیر

روش انذار و تبشیر از روش‌های موثر در تربیت است و در قرآن بارها به آن اشاره شده است. «انذار» به معنای هوشدار دادن و متوجه ساختن فرد به عواقب و نتایج سوء کارهاست که درآن نوعی ترساندن نیز وجود دارد. «تبشیر» به معنی آگاه کردن فرد از نتایج مطلوب و خوب کارهاست که موجب سرور و شادمانی است. راغب اصفهانی می‌گوید: «انذار» پیامی را گویند که توأم با ترساندن است همان گونه که «تبشیر » پیامی است که توأم با سرور و شادمانی است. بشارت و انذار و یا تشویق و تهدید، بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی را تشکیل می‌دهد، آدمی هم باید در برابر کار نیک تشویق شود و هم در برابر کار بد کیفر ببیند تا آمادگی بیشتری برای انجام کار نیک و خویشتن داری نسبت به کار بد پیدا کند. تشویق به تنهایی برای رسیدن به تکامل اخلاقی فرد یا جامعه کافی نیست؛ زیرا در این صورت فرد مطمئن است که انجام گناه برای او خطری ندارد. از طرفی تنها انذار نیز برای تربیت اخلاقی موثر نیست، چون ممکن است روحیه یأس ونا امیدی به وجود آورد. (لنگرودی، تربیت و اخلاق اسلامی، ص۲۱۹)

شهید مطهری﵀ تبشیر را به «قائد» و انذار را به «سائق» تشبیه می‌کند، قائد کسی است که مهر شتر یا اسب را از جلو دردست دارد و او را حرکت می‌دهد و سائق کسی است که حیوان را از پشت سر به جلو می‌راند. بنابر این تشبیه، انذار و تبشیر هر دو در حرکت‌ها و تربیتی‌های ایجاد یکار آیی دارند؛ زیرا هر دو فرد را به سوی کمال سوق میدهند.(مطهری، تبلیغ و مبلغ، در آثار شهید مطهری، ص۱۸٦). در سوره تحریم نیز از این روش استفاده شده است. و در آیات ٤ تا ۸ با روش‌های متعدد انذاز و تبشیر انجام گرفته است. بعنوان نمونه آیه ٤ و ٥ زنان پیامبر را به علت توطئه علیه پیامبر تهدید و انذار می‌کند:

إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّه فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَ إِن تَظَاهرَا عَلَيه فَإِنَّ اللَّه هوَ مَوْلَئه وَ جِبْرِيلُ

وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَئِكَةُ بَعْدَ ذَالِكَ ظَهِيرٌ) (عَسىَ رَبُّه إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يبْدِلَه أَزْوَاجًا خَيرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَئِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَئِحَاتٍ ثَيِبَاتٍ وَ أَبْكَارًا (تحریم/ ٤ـ٥) اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضدّ او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند .امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت‌کننده، زنانی غیر باکره و باکره!». و در آیه ۸ همین سوره مومنین را دعوت به توبه کرده و در نتیجه به بخشش گناهان و ورود جنت را بشارت داده است .

يأَيها الَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُواْ إِلىَ اللَّه تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسىَ رَبُّكُمْ أَن يكَفِّرَ عَنكُمْ سَياتِكُمْ وَ يدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تجَرِى مِن تحَتِها الْأَنْهارُ يوْمَ لَا يخْزِى اللَّه النَّبىِ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَه نُورُهمْ يسْعَى بَينْ أَيدِيهِمْ وَ بِأَيمَانهِمْ يقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلىَ كُلّ شىَءٍ قَدِير. (تحریم/ ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می‌گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی!

۴-۱. نقش تربیتی انذار و تبشیر

این روش با آگاهی دادن از نتایج و ثمرات کارهای نیک و خوب به متربی، شوق و انگیزه کافی برای انجام عمل را در او فراهم می‌آورد و آنچنان سروری در وی ایجاد می‌کند که آثار و نتیجه آن در ظاهر و صورت او آشکار می‌شود. به عبارت دیگر، خبر و آگاهی چنان باشد به گونه ای ارائه شود که علاوه بر شوق و انبساط درونی، فرح و سرور ظاهری را نیز همرا داشته باشد. نباید فراموش کرد که «عامل خبر دهنده» یا «مبشر» نقش مهمی در این دارد چرا که اگر گیرنده خبر اعتقادی به صدق گفتار مبشر نداشته باشد، در حقیقت به اخبار او وقعی نمی نهد و هیچ گونه

سرور و انبساطی در وی حاصل نخواهد گشت؛ اما اگر مبشّر از آنچنان وجاهت و اعتماد ی برخوردار باشد که متربی بدون هیچ گونه قید و شرطی و تأملی آن را پذیرد، اثر گذاری خبر حتمی است. در تربیت، تبشیر روش بسیار مهمی به حساب می‌آید؛ زیرا ممکن است تکالیف تربیتی، مستلزم تحمّل مشقّات و سختیهایی باشد و این امر فی نفسه، رغبت و انگیزه لازم را در متربی فرا می‌نشاند. بنابراین، باید در صدد راهی بود تا این احساس دشواری و سختی را کاهش داد و امید و عشق را به جای آن نشاند، تبشیر چنین کارکردی دارد. بشارت در وجود عدمی، امید می‌آفریند و با کشش این امید، او را آماده قبول زحمت می‌گرداند.(حاجی ده آبادی، در آمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص۱۵٤-۱۵۵)

۵. تکریم شخصیت

تکریم شخصیت فرد و یا افراد مورد تربیت از سوی مربّی، همان دادن شخصیت به متربی است که یکی از روش‌های موثر در تربیت به شمار می‌رود. روان‌شناسان شخصیّت را نتیجه و محصول تاثیر متقابل فرد و محیط طبیعی و اجتماعی او می‌دانند. و در بررسی شخصیّت افراد خصوصیّات بدنی نحوه تفکر، ایده و چگونگی سازگاری فرد با محیط و طرز برخورد او با دیگران را مورد توجه قرار می‌دهند. تکریم شخصیت، نقش مهمی در سلامت فکری و روانی متربی ایفا می‌کند. تعادل روانی و نحوه برخورد معلم و مربی با شخصیّت فرد، اثرات فوق العاده ای دارد که مورد عنایت و تاکید روان شناسان نیز قرار گرفته است؛ زیرا همان گونه که بر خورد صحیح و سنجیده موجب تعادل روانی فراگیر است، برخورد نا مناسب و توبیخ بی مورد، به ویژه کودکان دچار عدم تعادل روانی ساخته، حس خود کم بینی را در ایشان به وجود خواهد آورد. پیامبر اکرمﷺ فرمودند: به فرزندان خود احترام کنید و آداب شان را زیبا سازید». (بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن، (پایان نامه ارشد) ص۸۷)

سوره تحریم در راستای تربیت، این شیوه را به کار برده و مقام انسان را در بعضی آیات ستوده است؛ زیرا احترام و شخصیت دادن به طرف مقابل یکی از شرایط تاثیر در تربیت است، چناچه درآیه ششم و هشتم این سوره مومنین را به علت تکریم آنان با تعبیر دلپذیر «**یأَیها الَّذِینَ ءَامَنُوا**» مورد خطاب قرار داده است.

روش دوم: روش‌های تربیت اصلاحی

یکی از وظایف عمده روش تربیت، اصلاح صفت‌های رذیلت و رفتارهای ناشایست اخلاقی است. در روش‌های اصلاحی ما به دنبال اصلاح رفتار ناپسند و ضد اخلاقی هستیم که نقش مهمی در تعالی بخشی و رشد و کمال متربّی دارد. پس با روش‌های صحیح اصلاحی می‌توان صفات نامناسب را از روح خویش زایل و صفات شایسته را در آن شکوفا ساخت. روش‌های اصلاحی آن دسته از روش‌های تربیتی‌اند که هدف از آنها، تغییر، حذف یا کاهش یک رفتار نا پسند، اعم از رفتار ظاهری یا اموری درونی همچون تفکرات نا صحیح و نا پسند، می‌باشد. در سوره تحریم برای حذف یا کاهش صفات و رفتارهای ناشایست اخلاقی بیان کرده است. این روش‌ها به ترتیب چنین اند: روش موعظه، امر بالمعروف و نهی از منکر، تغافل، مقایسه اعمال و روش توبه می‌باشد.

۱. روش موعظه

یکی از روش‌هایی تربیت اصلاحی روش موعظه است. به شهادت تاریخ، تقریبا همه تمدن‌ها و نظام‌های تربیتی، از این روش استفاده کردند، پند نامه‌های فراوانی که به صورت نثر یا شعر از گذشتگان به ما رسیده است، گواه این مدعاست. معنی متعددی از موعظه ارائه شده است: راغب در مفردات وعظ را چنین تعریف می‌کند: «الوعظه هو زجر مقترن بالتخویف: وعظ باز داشتن و منع کردنی است که همراه با ترساندن باشد». خلیل موعظه را یاد کردن خوبی‌ها به انسان به گونه ای که موجب رقت و نازکی دل گردد و آن را پذیرد می‌داند. علامه طباطبایی (رح) موعظه را به بیانی که نفس شنونده را نرم و قلبش را به رقت آورد تعریف می‌کند. به هر حال منشا تاثیر گذاری این روش را باید در فطرت و ضمیر انسان جستجو کرد. انسان گرچه فطرتی خدا آشنا و آگاه به خوب وبد دارد، ولی اشتغالات فراوان روز مره و توجه به امور و شئونات گوناگون زندگی غالبا سبب می‌شود که از این آگاهی و شناخت غفلت نماید و غیر خدا در دلش منزل گزیند. اینجاست که باید به طریقی او را متذکر ساخت، و موعظه چنین خاصیتی دارد. (همان، ص۱٤۷-۱٤۸).

در قرآن کریم تقوا را در آیات متعدد زمینه وعظ و نصیحت قرار داده است. مانند آیه ٦٦ سوره بقره و آیه ٤٦ سوره مائده و آیه ٣٤ سوره نور. همچنین در سوره تحریم هم مومنین را به تقوا دعوت نموده.

يأَيها الَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكمُ وَ أَهلِيكمُ نَارًا وَقُودُها النَّاسُ وَ الحْجَارَةُ عَلَيها مَلَئكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يعْصُونَ اللَّه مَا أَمَرَهمْ وَ يفْعَلُونَ مَا يؤْمَرُون (تحریم/ ٦) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند.

۱-۱. نقش تربیتی موعظه

موعظه بلیغ از جانب انسان‌های الهی آدمی را منقلب می‌کند و تاثیر تربیتی آن از هزاران امر و نهی بیشتر است. کار آیی وموثر بودند این روش، همچون دیگر روش‌های تربیتی، هنگامی است که با شرایط ویژگی‌های لازم همراه باشد. روش موعظه بر سه رکن استوار است: موعظه کننده، موعظه و موعظه شونده؛ و برای اینکه این روش بخواهد نقش تربیتی خود را به درستی ایفا کند، باید هر یک از این ارکان در موعظه وجود داشته باشد.(بررسی روشهای تربیت اخلاقی در قرآن، (پایان نامه ارشد) ص۱۰۲). امام صادق﵇ به هر سه مورد اشاره کرده، و واعظ اخلاقی را به سی تشبیه فرموده که در صدد بیدار کردن خفتگان است و اگر خود خفته و غافل و گرفتار هوای نفس باشد، نمیتواند دیگران را بیدار کند:

فَإِنَّ مَثَلَ اَلْوَاعِظِ وَ اَلْمُتَّعِظِ كَالْيقْظَانِ وَ اَلرَّاقِدِ فَمَنِ اِسْتَيقَظَ عَنْ رَقْدَةِ غَفْلَتِه وَ مُخَالَفَاتِه وَ مَعَاصِيه صَلَحَ أَنْ يوقِظَ غَيرَه مِنْ ذَلِكَ اَلرُّقَادِ مثال واعظ و متعظ، شخص بیدار که از خواب غفلت بیدار شده و از گناه دست شسته، می‌تواند دیگران از خواب غفلت بیدار کند. اثر موعظه خصوصا آنگاه که گوینده واجد ضمیر پاک و نیّت الهی باشد و خود به آنچه گوید عمل کند، بر کسی پوشیده نیست.

پیامبر اکرمﷺ و ائمه﵈ آنچنان شوری در دل مخاطبین می‌افکند که گاه برخی با آنکه دلی

پر گناه داشتن به استغفار نبر با کافران و... می‌کشاند. تذکر این نکته لازم و ضروری است که اگر موعظه در زمان‌های مناسب و همرا با تیکنکهایی خاصی اعمال شود، تاثیر بیشتری خواهد داشت. مثلا هنگام تجمع مردمی که در تشییع پیکر فردی که زندگی دنیوی را بدرود گفته است، شرکت جسته‌اند و سر مزار او حاضرند، بهتر می‌توان آنان را به آخرت وقیامت و پیامد اعمال خویش و فانی بودن دنیا توجه داد. (ده آبادی، در آمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص۱٤۹). به سبب اهمیت به یکی از نمونه‌های این روش در نهج البلاغه امام علی﵇ می‌فرماید: حضرت هنگام بازگشت از صفیین، با لشکریان خود به قبرستانی که پشت دروازه کوفه بود رسید، موقعیت را آماده دید و با خلق صحنه‌ای شروع به سخنرانی نمود. در ابتدا رو به طرف قبرها نمود و گورها را مخاطب ساخت و فرمود:

يا أَهلَ الدِّيارِ الْمُوحِشَةِ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ، يا أَهلَ التُّرْبَةِ، يا أَهلَ الْغُرْبَةِ، يا أَهلَ الْوَحْدَةِ، يا أَهلَ الْوَحْشَةِ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ؛ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سُكِنَتْ، وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ، وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ. هذَا خَبَرُ مَا عِنْدَنَا، فَمَا خَبَرُ مَا عِنْدَكُمْ؟ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى أَصْحَابِه فَقَالَ: أَمَا [وَ اللَّه] لَوْ أُذِنَ لَهمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيرَ الزَّادِ التَّقْوى (نهج البلاغه، حکمت۱۳۰). ای ساکنان خانه‌های وحشتناک! و مکان‌های خالی! و قبرهای تاریک وظلمانی! ای خاک نشینان! ای غریبان! ای تنهایان! ای وحشت زده گان! شما در این راه پیش قدم شدید و ما نیز به شما خواهیم پیوست اما خانه‌های تان را دیگران ساکن شدند، همسران تان به ازدواج افراد دیگر درآمدند و اموالتان تقسیم شد این خبری است که ما داریم، ولی شما چه خبر دارید؟ سپس رو به اصحاب کرد و فرمود: آگاه باشید، اگر به آنها اجازه سخن می‌دادند، به شما خبر می‌دادند که بهترین زاد و توشه آخرت، تقوا پیشگی است.

۲. تغافل (چشم پوشی)

یکی از روش‌های اصلاحی در تربیت، روش تعافل است و آن عبارت است از این که: «انسان چیزهای را بداند که پنهان کردن آن لازم یا پسندیده است، یعنی مربّی در گام نخست خود را

نسبت به مسئله ای که اظهارش برای متربی عواقب نا مطلوب دارد، به نا آگاهی و بی اطلاعی بزند و با بزرگواری از کنار آن بگذرد تا باعث حفظ آبروی متربی شود». (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج۲، ص۳٦۳). از جمله مواردی که تغافل در آن پسندیده است، پنهان ساختن عیئب به دیگران است. هر کس عیبی یا لغزشی دارد، از این رو سعی می‌کند تا مردم آن را ندانند؛ ولی گاهی افراد از آن آگاه می‌شوند. تغافل در این گونه موارد، که در حقیقت یک نوع عیب پوشی از دیگران است، بسیار پسندیده است. انسان مایل نیست که دیگران از خطا و اشتباهات او مطلع شوند و خواهان عزت نفس است و اینکه جامعه با نگرشی مثبت با او برخوردار کند. و آگاهی دیگران از خطا و اشتباهات او، این نگرش را خدشه دار می‌سازد و در ذهن وی جای می‌دهد که دیگر هیچ جایگاه اجتماعی ندارد و حال که چنین است، پس انجام خطا و رفتار ناشایست اخلاقی، به صورت علنی و آشکار هیچ گونه قباحتی ندارد. این جاست که خطرناک‌ترین و آسیب زاترین لحظه و موقعیت در زندگی فرد فرا می‌رسد، چرا که دیگر از فرو پوشیده خطای خویش بیمی ندارد و از برملا شدن آن ترس رسوایی ندارد. پس باید چاره ای اندیشید و کاری کرد که هرگز چنین موقعیت و صحنه ای پیش نیاید و آن راه چاره، تغافل است.(داودی، تربیت اخلاقی، ص ۱۵۰).خداوند در سوره تحریم از این روش استفاده نموده(وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِی إِلی بَعْضِ أَزْواجِه...)؛ هنگامی که رازی را پیامبر به بعضی از همسران خود فرمود. و آن حفصه بود (حَدِیثاً) یعنی سخنی را و امر فرمود او را که مخفی دارد. پس اسرار ضدّ اعلانست. فَلَمَّا نَبَّأَتْ یعنی خبر داد دیگری را بآنچه پیامبرﷺ باو فرموده بود.(بِه) بآن راز مخفی، پس آن راز را فاش کرد.وَ أَظْهَرَه اللَّه عَلَیه یعنی و خداوند پیامبرشﷺ را خبر داد بر آنچه از فاش شدن رازش جریان یافته بود. عَرَّفَ بَعْضَه وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ یعنی پیامبرﷺ حفصه را به بعضی از آنچه فاش کرده بود خبر داد و از بعض دیگر خودداری کرد، و اعراض نمود و باو خبر نداد و پیامبرﷺ تمام مطلب را میداند و برای اینکه اعراض قطعا بعد از معرفت و دانستن است، لکن آن بزرگوار عمل بمکارم اخلاق نموده و بخلق و روش کریمانه خود تغافل ورزید، و به روی مبارك خود نیاورد. (طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج۲۵، ص۱۳٦). و این تغافل آنچنان گسترده است که اگر قرار بر مجازات بود، در اثر آن خطاها عذاب سنگینی دامن گیر انسانها می‌شد:

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّه عَلَيكُمْ وَرَحْمَتُه فِی الدُّنْيا وَالآخِرَةِ لَمَسّكُمْ فِی مَا أَفَضْتُمْ فِيه عَذَابٌ عَظِيمٌ (نور/ ١٤) و اگر فضل خدا و رحمتش در دنیا و آخرت بر شما نبود، قطعا به آنچه در آن به دخالت پرداختید، به شما عذابی بزرگ می‌رسید.

همچنین در سوره یونس آمده:

وَلَوْ يعَجّلُ اللّه لِلنّاسِ الشّرّ اسْتِعْجَالَهمْ بِالْخَيرِ لَقُضِی إِلَيهمْ أَجَلُهمْ یونس/ ۱۱)

و اگر خدا برای مردم به هما شتاب که آنان در کار خیر می‌طلبند، در رساندن بلا به آنها شتاب می‌نمود، قطعا اجلشان فرا می‌رسید». بر اساس این اصل، مربّی در مجازات شتاب نمی ورزد و متربی را فرو می‌گذارد تا فرصت هایی لازم جهت اصلاح خویش را دریابد .

۲-۱. نقش تربیتی روش تغافل

تغافل، باعث بالا رفتن شان و مرتبه مربّی در نظر متربی است، زیرا متربی خود به خود می‌داند که خطا و اشتباهی انجام داده و چه بسا مربی نیز فهمیده است امّا با بزرگواری از خطای او تغافل کرده است. بدین جهت زمینه اعتماد و گرایش بیشتر متربی به مربی نیز فراهم می‌آید. علی علیه‌السلام فرمودند: **عَظِّمُوا أقدارَكُم بِالتَّغافُلِ عَنِ الدَّنِی مِنَ الأُمورِ** (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص٢٢٤). با بی‌توجّهی به امور پست، بر ارزش خود بیفزایید ...؛ قدر منزلت خویش را با چشم پوشی از خطاهای نا چیز و اندک، بزرگ دارید». روش تغافل، اولین اقدام در برخورد با رفتارهای ناشایست است. به ویژه اگر آن رفتار برای نخستین بار از فرد متربی سر زده باشد. البتّه از این روش نمی توان در همه جا سود جست، بلکه باید در موارد خاصی از آن بهره گرفت. به طور مثال: در صورتی که خطا کار از رفتار ناشایست خود پشیمان شده و تصمیم گرفته است که عمل خلاف را تکرار نکند. در صورتی که مرتکب خلاف، شخصی است که شریف و آبرومند که از روی جهالت عمل خلافی را انجام داده است و از ظواهر پیداست که تکرار نخواهد کرد.در صورتی که خلاف کار شخصی عاقل و پاک سرشت است و احتمال بیدار شدن فطرت اخلاقی و ندامت او می‌رود. (بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن، ص ۱۱۷- ۱۱۸).

از این آیات و روایات به خوبی موارد تغافل روشن شد و نشان می‌دهد مربوط به امور مهم

و سرنوشت ساز نیست، بلکه مربوط به امور جزئی و کم اهمیت است که در زندگی وجود دارد. بنابر این تغافل منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده ندارد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر مربوط به واجبات و محرمات است که از محدوده تغافل بیرون است. و انتقاد سازنده مربوط به اموری است که در سرنوشت فرد و جامعه اثر قابل ملاحظه ای دارد، در حالی که تغافل مربوط به امور جزئی و کم ارزش و یا عیوبی که مصلحت در آن است که در پرده بماند.

۳. مقایسه اعمال

یکی دیگر از روش‌های اصلاحی در تربیت، روش مقایسه اعمال و افکار با یک دیگر است. و آن عبارت است از: «فرایند منظم و مستمر برای سنجش تغییرات به وجو آمده در رفتار متربیان و ترغیب آنها برای رسیدن به هدف‌های تربیتی و هدایتی در جهت پرورش و رشد ارزش‌های اخلاقی» . روش مقایسه اعمال، یکی از روش‌های عام و موثر در تربیت است. این روش به ویژه در جایی که برداشت و پندار متربی با واقع مغایر است، اهمیت دو چندانی می‌یابد چرا که از یک سو پندارها برداشت هایی متربی را بهم می‌ریزد و از سوی دیگر، بنایی نو فراهم می‌آورد. (ده آبادی، در آمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص۱٤۱-۱٤۲)

در سوره تحریم نیز از روش مقایسه اعمال به کار گرفته شده است که در آیات ۱۰، ۱۱ و ۱۲ خداوند کفار را با مومنان مقایسه نموده و به عنوان الگو و نمونه برای کفار دو زن از زنان انبیاء را مثال آورده و همچنین به عنوان الگو و نمونه برای مومنان دو زن دیگر را مثال آورده که از لحاظ محیط و پیرامون زندگی قابل مقایسه با دو زن الگو برای کافران نبود. ولی آنان با وجود نا مساعد بودن محیط توانستند برای مومنان الگو باشند ولی آن دو زن از زنان حضرت نوح و لوط با وجود محیط تربیتی مناسب نتوانستند از آن محیط استفاده کنند و نمونه برای کفار شدند.

ضَرَبَ اللَّه مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تحَتَ عَبْدَينِ مِنْ عِبَادِنَا صَلِحَينْ فَخَانَتَاهمَا فَلَمْ يغْنِيا عَنهمَا مِنَ اللَّه شَيا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ) (وَ ضَرَبَ اللَّه مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبّ ابْنِ لىِ عِندَكَ بَيتًا فىِ الْجَنَّةِ وَ نجّنىِ مِن فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِه وَ نجّنىِ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) (وَ

مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتُبِهِ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ. (تحریم/ ۱۰-۱۲) خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!» و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاك نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!

۴ .توبه

یکی دیگر از روش‌های تربیت اصلاحی، روش توبه با زگشت از گناه است. توبه یا بازگشت از گناه بهترین روش برای تربیت انسان و عامل ایجاد انگیزه و امید برای حیات مجدد است. توبه روش اختصاصی بندگان نیست، چرا که خداوند نیز در مقام تربیت انسان دارای توبه است و این توبه به مثابه یک روش تربیتی می‌باشد. (خسرو، باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص١٦٦).توبه عبد همیشه درمیان دو توبه از خدای تعالی قرار دارد، یکی رجوع پروردگار به او، به این که به او توفیق و هدایت ارزانی دهد، و بدین وسیله بنده موفق به استغفار که توبه اوست بگیردد، و دوم رجوع دیگر خدا به او، به اینکه گناهان او را بیامرزد، و این توبه دوم خدای تعالی است. (طباطبائی، المیزان فی تفسیر قرآن، ج١، ص٢٠٤). حقیقت توبه، انقلابی است که در نتیجه آن، قوای خیر آدمی بر قوای شیر پیره می‌گردد و مرتبه خیر و کمال حقیقی باز می‌آید. خدای آمرزنده بندگانش را در سوره تحریم به چنین توبه ای فراخوانده است.

۴-۱ .نقش تربیتی توبه

روش توبه راهی است یگانه برای جدا شدن انسان از بدی‌ها و پستی‌ها و سلوک به سوی خدا،

که اگر پروردار جهانیان از سر رحمت خویش این راه را برآدمیان نمی نود، هیچ کس را به درگاهش راهی نبود. راه اتّصاف آدمی به صفات الهی و دستیابی به سعادت حقیقی، متوفق بر این است که انسان از شقاوت و چاه دوری از خداوند به در آید و به سوی او بازگردد این همان توبه و رجوع است.(طباطبائی، تفسیر المیزان، ج٤، ص٢٤٤). انسان در ابتدای آفرینش خالی از هر صلاح و فسادی است؛ نه دارای کمالات روحانی و نه متصف به اضداد آن است، و در عین حال قابل پذیرش هر صلاح و فساد و استعداد حصول هر کمال و هر ضد آن را دارد. و چون فطرتش که عشق به کمال مطلق است و حقیقت است که منوّر به انوار الهی است در حجاب کدورت‌ها و ظلمت‌ها قرار گیرد و بر دلش تاریکی‌های معصیت نشیند، باید پیش از آنکه کدورت‌ها و ظلمت‌ها افزون گردد و به جای رسد که یکسره دل را تاریک کند، به خود آید و توبه نماید که توبه و بازگشت به خدا یگانه راه زدودن تاریکی‌ها از دل و بازگشت به فطرت انسانی و حقیقت الهی است. (روح‌الله موسوی، چهل حدیث، ص۲۷۲).ابو بصیر می‌گوید: که از امام صادق‌علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: **ا أذنَبَ الرجُلُ خَرَجَ فی قَلبِه نُکتَةٌ سَوداءُ، فإن تابَ انمَحَت، و إن زادَ زادَت حتّی تَغلِبَ علی قَلبِه، فلا یفلِحُ بَعدَها أبَدا**» (کلینی، اصول کافی، ج۲، ص۷۳). هر گاه انسان گناهی کند، در دلش نقطه ای تاریک برآید، پس اگر توبه نماید، پاک شود، و اگر بر گناه بیافزاید، آن تاریکی افزایش یابد تا بر دلش غالب آید، پس هرگز رستگار نشود. از این روست که جز با توبه و بازگشت به سوی خدا و رهایی از شقاوت‌ها و تباهی‌ها نمی توان به منزل سعادت و کرامت رسید؛ و قرب ساحت مقدّس ربوبی و اتّصاف به صفات الهی متوقّف به توبه از شرک و هر معصیت دیگر است و خدای کریم مومنات را به توبه فرا می‌خواند تا راه رستگاری برایشان گشوده شود. **(وَتُوبُوا إِلَى اللّه جَمِيعًا أَيه الْمُؤْمِنُونَ لَعَلّكُمْ تُفْلِحُونَ**. (نور/ ۳۱) ای مومنان، همگی به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.

توبه بهترین راه برای زدودن بدی‌های نفس است، بدی‌های که سبب شقاوت و بدبختی انسان در زندگی دنیا و آخرت می‌شود و او را از ورد به ساحت قدس الهی محروم می‌کند. امیر مومنان علی‌علیه‌السلام فرموده است. «ولا شفیع انجح من التوبه» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱). شفیعی رهاننده تر از توبه نیست. ملاک تشریع توبه، رهایی از هلاکت به سبب گناه و نجات از تباهی حاصل از معصیت است، زیرا وسیله رستگاری و مقدّمه دستیابی به سعادت است. به علاوه

توبه وسیله حفظ روح امید واری در انسان است زیرا انسان برای سیر به سو مقصد تربیت باید در اعتدال بیم و امید سیر کند تا از آن چه در این سیر او را آسیب می‌رساند بگریزد، و به سوی آنچه در رسیدن به مقصد یاری اش می‌کند بشتابد؛ و اگر این روح امید در انسان نباشد یا رو به کاستی نهد، آدمی از مسیر اعتدلال بیرون می‌رود و به هلاکت میل می‌کند.(طباطبائی، تفسیر المیزان، ج٤، ص٢٤٨).خدای مهربان این روح امید را دربندگان گنهکار خود می‌دمد تا آنان را به بازگشت بر انگیرد و ار هلاکت برهاند.

قُلْ يا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ... (زمر/ ٥٣). بگو ای بندگان من که بر خویش زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید نشوید که همانا خداوند همه گناهان را می‌آمرزد که او آمرزنده مهربان است.

مادامی که انسان روح نشاط و امید به نجات دارد، در راه تربیت خود عزم می‌نماید و جدیت به خرج می‌دهد، امّا اگر روح یاس و نا امیدی بر او چیره شود و راه نجات و اصلاح و تربیت را بر خود بسته ببیند، در عمل به سستی و نا توانی و پستی کشیده می‌شود تا جای که خود را تا مرز تباهی و هلاکت پیش می‌برد؛ و تنها راه درمان آدمی از این بیماری مهلک توبه است.(طباطبایی، تفسیر المیزان، ج٤، ص٢٤٩). توبه واقعی، انقلاب درونی است که به همه چیز انسان سرایت می‌کند، او را می‌شوید و از مرتبه پایین قبل از توبه به مرتبه بلند و پاک می‌رساند. امام علی﵇ فرمودند: «التوبه تطهر القلوب و تغسل الذنوب؛ توبه دل‌ها را پاک سازد و گناها را بشوید.(غرر الحکم و درر الکلم،ج١، ص١٧٢). البتّه این همه لطف و رحمت برای حفظ روح امیدواری و تاثیر عمیق آن در تربیت انسان است و نباید چنین توّهم کرد که این همه لطف سبب تشویق مردمان به گناه و معصیت می‌شود و ممکن است انسان‌ها را بر انگیزد که گناه کنند با این قصد که پس از آن توبه نماید، زهرا چنین امری به هیچ وجه رنگ و بوی از توبه ندارد و آن همه لطف برای کسانی است که از عمل خود پشیمان می‌شودند و از گناه و معصیت می‌برند و به خدا باز می‌گردند و توبه در آنان متحقق می‌شود.بنابر این آن چه مایه اصلاح و تربیت انسان است حقیقت توبه است.(تهرانی،سیری در تربیت اسلامی، ص٣١٠).

۵ . امر بالمعروف و نهی از منکر

یکی از روش‌های مفید در تربیت اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف که عبارت است از طلب و درخواست انجام امور و کارهای خیر، و نهی از منکر یعنی جلوگیری از کاهای زشت و اعمال ناروا که هر دو از فرایض و واجبات اسلام شمرده می‌شود. اگرچه همواره امر به معروف و نهی از منکر با یکدیگر می‌آید و مکمل یکدیگرند ولی از آن جهت که امر به معروف روشی است که حاکی از ترغیب و انگیزش است از روشهایی که حکایت از منع و نهی می‌کند از هم جدا می‌باشند. امر به معروف تنها با گفتار عملی نمی شود و لازم است با عمل توام شود تا تاثیر بیشتری داشته باشد والا گفتار بدون عمل، سود چندانی ندارد و خود نوعی نفاق است. قرآن کریم می‌فرماید: **(أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ** .(بقره/ ٤٤)؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید.

انجام این روش تربیتی مراتبی دارد. از لقب شروع می‌شود وبه زبان انعکاس می‌یابد و به اقدام عملی منتهی می‌گردد و گاه به جهاد و شهادت می‌انجامد و در نهی از منکر کمترین مرتبه عملی اش عبارت است از برخورد نفرت آمیز با گناه و اهل گناه. بدین سان امر به معروف و نهی از منکر از یک سو بعد ارشادی و تربیتی دارد و از سوی دیگر عنوان مبارزه با تبهاکران و آنان که سد راه سعادت انسانیت شده اند. پس امر به معروف ونهی از منکر کلیه واحدهای کوچک و بزرگ اجتماعی را دبر می‌گیرد و از خانواده شروع می‌شود تا به محیط اجتماع و زمامداران حاکم می‌رسد. بنابراین یک روش عمومی است و مختص به تربیت اخلاقی نیست.(امیری، روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام، ص۸۹ ـ ۹۰). در سوره تحریم نیز از این روش استفاده شده است چنانچه در ذیل این آیه ششم در منابع شیعه و اهل سنت روایاتی ذکر شده که بر امر بالمعروف و نهی عن المنکر دلالت می‌کند. در کافی به سند خود از عبد الاعلی مولای آل سام از امام صادق‌علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: وقتی آیه **(یا أَیها الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهلِیكُمْ ناراً)** نازل شد، مردی از مؤمنین نشست و شروع کرد به گریه کردن، و گفتن اینکه من از نگه‌داری نفس خودم عاجز بودم، اینک مامور نگه‌داری از زن و فرزند خود نیز

شده‌ام. رسول خداﷺ به او فرمود: در نگهداری اهلت همین بس است که به ایشان امر کنی آنچه را که به خودت امر می‌کنی، و ایشان را نهی کنی از آنچه که خودت را نهی می‌کنی. و نیز در کافی به سند خود از سماعه از ابی بصیر روایت کرده که ذیل آیه (**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهلِيكُمْ ناراً**) گفته: از امام پرسیدم چگونه زن و فرزند را از آتش دوزخ حفظ کنم؟

فرمود: آنها را امر کن بدانچه که خدا امر کرده، و نهی کن از آنچه خدا نهی کرده، اگر اطاعتت کردند که تو ایشان را حفظ کرده‌ای، و به وظیفه‌ات عمل نموده‌ای، و اگر نافرمانیت کردند خودشان گنهکارند، تو آنچه را بر عهده داشته‌ای ادا کرده‌ای. (کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ٦٢). در الدر المنثور از امام علی‌ؑ روایت آورده‌است که در تفسیر آیه (**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهلِيكُمْ ناراً**) فرمود: خود و زن و بچه خود را تعلیم خیر دهید، و آنان را ادب نمایید- و نیز در همان کتاب است که ابن مردویه از زید بن اسلم روایت کرده که گفت:رسول خداﷺ آیه شریفه (**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهلِيكُمْ ناراً**) آیه ٦ سوره تحریم را تلاوت کرد، و سپس در پاسخ کسانی که پرسیدند چگونه اهل خود را از آتش حفظ کنیم؟ فرمود: بدانچه خدا دوست می‌دارد امرشان کنید، و از آنچه خدا کراهت دارد نهی کنید- (الدر المنثور، ج ٦،ص٢٤٤)

روش سوم: روش‌های تربیت تثبیتی و تقویتی

پس از آشنائی با روش‌های ایجادی و اصلاحی در تربیت جای آن دارد که پرسیده شود که چگونه می‌توان وضعیت حاصل شده را در نفس متربیان راسخ ساخت؟ به عبارت روشن تر روش‌های تثبیتی و تقویتی در تربیت کدام است؟ زیرا مداومت بر عمل سخت تر از خود عمل است.

روش‌های تثبیتی در تربیت مظهر و نمود بارز کار تربیت‌اند و بخش اعظم موفقیت مربی و یک نظام تربیتی در گرو شیوه هایی است که او برای رسیدن به این هدف مهم تربیتی اتخاذ کرده و به کار می‌بندد. منظور از روش‌های تثبیتی آن دسته از «روش‌های تربیتی‌اند که برای تداوم، تثبیت و تقویت ارزش‌های تربیتی و پرورش افزایش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی مورد استفاده قرار می‌گیرند».

قرآن کریم به ویژه سوره تحریم برای تثبیت و تقویت صفات و رفتارهای شایسته تربیتی

ارائه داده است. اهم این روشها عبارتند از ایجاد بینش، فریضه سازی، مواجهه با نتایج اعمال، مجازات به قدر خطاء، عطا و حرمان می‌باشد.

۱ .روش ایجاد بینش

یکی از روش‌های تثبیتی روش ایجاد بینش است. بینش به معنای آگاهی، رؤیت، بصیرت و درک اشیاء است. تقریبا معادل کلمه عربی بصیرت است که عبارت است از قوه قلبی که به نور ودل روشن باشد و با آن قوه شخص حقایق و باطن اشیاء را ببیند، همان طور که نفس به وسیله چشم صور و ظاهر اشیاء را می‌بیند حتی قوت بصیرت را عامله نظریه و قوه قدسیه می‌نامند.(فرهنگ معین، واژه بصیرت)

پس روش ایجاد بینش به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری گفته می‌شود که برای ایجاد بینش صحیح به کار برده می‌شود دو موجب برخورد درست و منطقی با مسائل اخلاقی پیرامون فرد و حذف و یا کاهش لغزشهای او می‌شود که نتیجه آن به شکل سالم ماندن شخص متربی از رذائل و رفتارهای ضد اخلاقی ظاهر می‌گردد. در قرآن کریم این روش مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش تاکید اصلی بر بعد شناختی انسان است. همان طور که انگیزش عاطفی از مبادی رفتار شایسته اخلاقی است، تصور و تصدیق به فائده نیز از مبادی شناختی است که این روش عهده دار تامین آن است. تثبیت و درون سازی قواعد اخلاقی غالبا بدون ایجاد بینش قبلی ممکن نیست. در این روش طرز ارائه مسائل اخلاقی به متربیان نوجوان و جوان بسیار با اهمیت است. این موضوعات باید طوری مطرح شود که آنها احساس کنند امور اخلاقی در زندگی روزه مره آنها قابل اجرا هستند. تنها موعظه کردن از طریق والدین، مربیان و علمای دین، در خانه، مدرسه و مسجد کافی نیست بلکه باید این مسائل را با تجربه و علم توام کرد تا به آسانی از فکر نوجوان خارج نشود. تفکر مذهبی، تقوا، فضیلت، ایمان، اخلاق، دفاع از محرومان و... را باید از طریق بینش درست به آنان آموخت. باید علم و دین را باهم به متربیان آموزش داد و تذکر این امر برای آنها لازم است که این دو از یکدیگر جدا نبوده و علاوه بر آنکه باهم هماهنگ هستند، مطالب دینی، عقلی و علمی هم هستند. باید طوری آنها را بینش داد

که به تکیه گاه متین الهی، متمسک شده و در مشکلات زندگی، خود را نبازند و دچار شکست و تزلزل نشوند. پذیرش این غایت به آنها چنان قوت روحی بدهد که در برابر ارزش‌های ضد اخلاقی بایستند و مقاومت کنند. (روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام، ص۱۷٤)

قرآن کریم، سنت پیامبر اسلامﷺ و اهل بیت‌علیهم‌السلام و تاریخ را از راههای حصول بینش برشمرده است. بنابراین روش ایجاد بینش موجب ایجاد بصیرت در انجام وظایف و تکالیف و جهت گیری منطقی و اصولی علاقه‌ها می‌شود؛ زیرا بسیاری از لغزش‌های انسان‌ها ناشی از نداشتن آگاهی و بینش صحیح است و لذا دادن بینش موجب کاهش این لغزشها و سلامت انسان‌ها می‌شود و داشتن بینش صحیح باعث کاهش دردهای درونی ناشی از ویژگی‌های شخصیتی انسان و شرایط جامعه می‌گردد. در سوره نیز از این روش استفاده شده است چنانچه تقوی باعث معرفت و ایجاد می‌شود. خداوند کریم در این سوره مومنین را به تقوی پیشگی دعوت نموده و می‌فرماید:

يأَيها الَّذِينَ ءَامَنُواْ قُواْ أَنفُسَكمُ وَ أَهلِيكمُ نَارًا وَقُودُها النَّاسُ وَ الحْجَارَةُ عَلَيها مَلَئكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يعْصُونَ اللَّه مَا أَمَرَهمْ وَ يفْعَلُونَ مَا يؤْمَرُون. (تحریم/ ٦) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند.

تقوا در تقویت عقل و ازدیاد بصیرت و روشن بینی نقش بسزایی دارد. تقوا نه سوهان است و نه سنباده و نه روغن چراغ. تقوا دشمنِ دشمن عقل است، از نوع سومِ دوستانی است که علی‌علیه‌السلام فرمود: وَ عَدُوُّ عَدُوِّكَ. ملکه تقوا که آمد، دشمن عقل را که هوا و هوس است رام و مهار می‌کند، دیگر نمی‌گذارد اثر عقل را خنثی کند، گرد و غبار برایش به وجود آورد، پارازیت ایجاد کند. تقوا واقعاً تأثیر دارد در طرز تفکر و طرز قضاوت انسان، ولی نوع تأثیرش این است که جلو تأثیر دشمن را می‌گیرد و از این راه دست عقل را باز می‌کند و به وی آزادی می‌دهد: عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ ..حکما این گونه عاملها را که به‌طور غیر مستقیم تأثیر دارند فاعل بالعَرَض می‌نامند. می‌گویند فاعل یا بالذات است و یا بالعرض. فاعل بالذات آن است که اثر مستقیماً از خود او

تولید شده، و فاعل بالعرض آن است که اثر مولود علت دیگری است و کار این علت کار دیگری است مثل اینکه مانع را برطرف کرده است، و همین که مانع برطرف شد آن علت دیگر اثر خود را تولید می‌کند، ولی بشر همین را کافی می‌داند که آن اثر را به این علت زایل کننده مانع هم نسبت بدهد. (مطهری، مجموعه آثار، ج۲۳، ص۷۱۲)

۲. مجازات به قدر خطا

اساس تربیت بر عزت و کرامت است هرچند لازم است گاهی کرامت در صورت مجازات جلوه کند تا زمینه عزت و رشد فرد فراهم آید وبه حالتی دست یابد که پیوسته و در هر اوضاع و احوالی راست و استوار باشد. پس روش مجازات به قدر خطا یعنی به اندازه خلافی که متخلف مرتکب شده با سنجش دقیق توام با علم و دانش و همراه با بردباری قضاوت روشن و درستی را در تعیین مجازات پیش گرفتن و متخلف را به اندازه جرمش مورد مجازات قرار دادن. احتمال صدور خطا و کار خلاف از هر انسان غیر معصوم وجود دارد ولی در صورت مشاهده که ناستوده در مرحله اول مربی باید از روش تغافل و چشم بوشی استفاده کند. اگر این روش امکان یا تاثیر نداشت، در مرحله دوم بیاد او را مورد عفو و بخشش قرار دهد و از او بخواهد که دیگر آن عمل ناشایست را انجام ندهد اگر این مرحله هم کارساز نبود، باید گام سوم را بردارد یعنی به اندازه خلافی که مرتکب شده، برای او تعیین مجازات کند. البته در این جا باید عدالت رعایت شود. بنابراین اگر مجازاتی تعیین می‌شود باید تمام زوایا و ابعاد آن مانند میزان و نحوه خطا و اثرات آن میزان و نحوه مجازات وضع و حال مربی در حین مجازات و... مورد مطالعه قرار گیرد ومجازات به عنوان خاموش کردن خشم نباشد. بلکه باید با حفظ بربادی و متانت درباره مجازات تصمیم گرفت. به یقین صدور چنین حکم عادلانه ای زینت مدیریت و محکم‌ترین پایه برای هر کاری اعم از تربیت و غیر آن است.(خسرو شاهی، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، ص۷۲ـ۷٦ و ص۱٤۳)

در سوره تحریم ازاین روش نیز استفاده شده است. چنانچه می‌فرماید: «**يا أَيها الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ**» (تحریم/ ۷) ای کسانی که کافر شده‌اید امروز عذر نیاورید در واقع به آنچه می‌کردید کیفر می‌یابید. بعضی از مفسرین از قبیل شهید

مطهری و علامه طباطبایی﵀ از این آیه تحسم اعمال را معنی کرده اند. یکی از تاثیرات که برای تجسم اعمال بیان شده است که عبرت دیگران است. در واقع تبلور عمل انسان است که در آخرت یا به صوررت ثواب و یا به صورت عقاب ظاهر می‌شود. این است که جزای همه شما همان اعمال خودتان است چه عدالتی از این بهتر و برتر؟ به عبارت دیگر اعمالی که از نیک و بد در این عالم انجام می‌دهید در آنجا همراه شما خواهد بود همان اعمال تجسم می‌یابد و در تمام مواقف محشر و بعد از پایان حساب همدم و همنشین شما است.در سوره یس می‌فرماید: «**فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ**. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج۱۸، ص٤٠) امروز بر کسی هیچ ستم نمی‌رود جز در برابر آنچه کرده‌اید پاداشی نخواهید یافت. پس عقاب و ثواب امر قراردادی نیست بلکه اثر ذاتی و مستقیم خود عمل است.

۳ . فریضه سازی

فرض به معنای بریدن چیزی سخت و اثر گذاشتن در آن، ایجاب، واجب کردن، ملزم گردانیدن، ثابت بودن و قاطع بودن است. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج۳، ص۳۸ـ۳۹)

تفاوت میان فرض و وجوب این است که فرض جز از خدای تعالی نیست ولی ایجاب وجوب هم از خدا و هم از غیر اوست.(ابوهلال، الفروق اللغویه، ص١٨٤) هرجایی که عبارت "فرض الله علیه" وارد شده است در حکم ایجابی است پس اگر آن حکم ایجابی باشد، عمل به آن این است که آن را بجا آورد و اگر تحریمی باشد عمل به آن این است که ترک کنند و از آن اجتناب کنند. (راغب اصفهانی، ج۳، ص۳۹). دراین روش مربی پاره ای از دستورالعمل‌های اساسی را که به کار بستن آنها به جهت تربیت متربیان لازم و ضروری است، به عنوان فریضه قرار می‌دهد بگونه ای که انجام آن واجب و ضروری است وبه هیچ وجه تعطیل بردار نمی باشد.این روش از مختصات شرایع الهی است زیرا غیر از خداوند متعال کسی حق فریضه سازی بر دیگران را ندارد. روش فریضه سازی در قرآن کریم بیان گردیده و در موارد متعددی به کار گرفته است مانند: «**قَدْ فَرَضَ اللَّه لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيمانِكُمْ**» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج٢٤، ص۲۷۵) ؛ خداوند راه گشودن سوگندهایتان را (در این گونه موارد) روشن ساخته است"

البته اگر سوگند در موردی باشد که ترک کاری رجحان دارد باید به سوگند عمل کرد، و شکستن آن گناه است، و کفاره دارد. اما اگر در مواردی باشد که ترک آن عمل مرجوح باشد (مانند آیه مورد بحث) در این صورت شکستن آن جایز است، اما برای حفظ احترام قسم بهتر است کفاره نیز داده شود. آنچه خداوند مقرر می‌دارد واجب است و بر مومنان روا نیست که قوانین و تشریعات خود را از منبعی جز او اخذ کنند، بدان سبب که خدا، از لحاظ احاطه داشتن علمش به هر چیز شایستگی قانون گذاری دارد، و هیچ حکمی را جز به حکمت الهی فرو نمی گذارد. ایمان آدمی به این دو صفت «الْعَلِیمُ الحْکِیم» برای خدای، روح تسلیم و رضا را به هر چیز خدا واجب کرده است در او بر می‌انگیزد، به گونه ای که بنا بر فطرف و عقل خود می‌داند که تشریعات خود را باید از جانب خدای داننده حکیم دریافت کند و بلکه این او را به صورتی در وی آورد که جز به آنچه از جانب او فرو فرستاده شده باشد ایمان نمی آورد، و به نظام‌ها و احکامی که واضع آنها آدمیان بوده‌اند اطمینان پیدا نمی کنند، بدان جهت که واضع آنها علم و حکمت محدود داشته است. (مدرسی، تفسیر هدایت، ج۱۶، ص۱۱۱ـ۱۱۲)

۳-۱. نقش تربیتی روش فریضه سازی

فریضه سازی در تربیت اخلاقی مداومت و محافظت بر عمل و رفتار اخلاقی را تضمین می‌کند که موجب تثبیت و تقویت آن در نفوس متربیان است. فریضه امری است که باید انجام پذیرد. فریضه علاوه بر الزامی بودن رعایت شرائط خاصی را نیز می‌طلبد بدین معنی که فرد مکلف در انجام تکلیف مورد نظر باید آداب و شرائط ویژه ای را به کار بندود. در غیر این صورت عمل انجام داده شده از توسط او ناقص و معیوب محسوب شده و مورد قبول قرار نمی گیرد.(خسرو شاهی، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، ص۹۱ـ۹۲) بنابراین روش فریضه سازی از لحاظ ایجابی مداومت بر عمل و رفتار اخلاقی پسندیده را تضمین می‌کند که ناظر به کمیت عمل است. از طرف سلبی، محافظت و دوری از رذائل و رفتارهای ضد اخلاقی را تضمین می‌کند که ناظر به کیفیت عمل است پس این روش در پی آن است که شاکله مطلوب در درون متربی پایدار و استوار گردد.

۴. مواجهه با نتایج اعمال

یکی از روش‌های برجسته در امر تربیت مواجهه عملی متربی با نتایج نیکی و سوء عملش است بدان معنا که مربی در کنار دعوت متربیان به فضائل و بازداشتن آن‌ها از رذائل آثار و پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی را برای متربیان بیان می‌کند تا خود آنها سوء عمل خویش را بچشند و از رذائل اخلاقی بازمانده و دست به تکرار عمل فضائل و رفتاهای اخلاقی زنند تا در آنها تثبیت شده و تقویت گردد. در این روش امر و نهی جای ندارد و نفوذ و کارآمدی آن نیز مستقیما ناشی از قدرت امر یا نهی نیست بلکه پشتوانه این روش حب ذات آدمی است که وی را به انجام عمل مطلوب بر می‌انگیزد و از مبادرت به خطا مصون نگه می‌دارد. هنگامی که فرد با نتیجه عملش موجهه شد و دریافت که پیامد عملش زیان خود وی را به بار می‌آورد یا اینکه به سود خود اوست، پایدار و قوی گردیده خود را از درون ملزم به ترک یا انجام آن عمل می‌بیند. بنابراین باید پیامدهای عمل فرد نشان داده شود.(همان، ص۱۰۶ـ۱۰۷)

در سوره تحریم نیز با استفاده از این روش به زنان پیامبر هشدار داده‌اند که اگر توبه نکنند در مقابل خدا و جبرئیل و ملائکه و همچنین در مقابل صالح مومنان قرار خواهند گرفت. و معلوم است که قرار گرفتن در مقابل خدا و... چه پیامدهایی را دنبال دارد.

إِن تَتُوبَا إِلَىَ اللَّه فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَ إِن تَظَاهرَا عَلَيه فَإِنَّ اللَّه هوَ مَوْلَئه وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَئكَةُ بَعْدَ ذَالِكَ ظَهِير. (تحریم/ ٤) اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دل‌هایتان از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضدّ او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند.

آثار تربیتی مواجهه با نتایج اعمال

آگاهی از پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی سه اثر مهم تربیتی دارد؛

۱ .آنکه آگاهی و بصیرت اخلاقی متربی را افزایش می‌دهد.

۲ .قدرت انتخاب و تصمیم گیری صحیح اخلاقی وی را تقویت می‌کند زیرا کسی که از

پیامدهای عمل آگاه است بهتر می‌تواند سود و زیان آن را بسنجد و بر آن اساس درباره انجام دادن یا ندادن آن اقدام می‌کند.

۳ .آگاهی از پیامدهای عمل در متربی انگیزه برای عمل اخلاقی ایجاد و یا آن را تقویت می‌نماید زیرا انسان معمولا با انجام دادن هر رفتاری به دنبال نفع خویش است و وقتی بداند عملی ضد اخلاقی در کنار لذت گذرا زیان‌های پایدار است به احتمال قوی از انجام آن سر باز می‌زند چنان که اگر بداند عمل اخلاقی در کنار مشقت موقت و گذرا منافعی بلند مدت و مهم دارد به احتمال قوی آن را انجام می‌دهد.(داوودی، تربیت اخلاقی، ص۱۲۹). بنابراین بیان پیامدهای رفتارهای اخلاقی موجب می‌شود در متربی انگیزه عمل نسبت به رفتارهای پسندیده تقویت و استوار گردد، و نسبت به رفتارهای ناپسند نفرت و کراهت به وجود آید زیرا انسان طبیعتا به آنچه به او سودی می‌رساند، گرایش دارد و به دنبال آن است و از آنچه به او زیانی می‌رساند، متنفر است واز آن دو می‌جوید.

۵ .عطا و حرمان

روش "عطا و حرمان" یکی دیگر از روش‌های تشبیتی و تقویتی در تربیت است. این روش مبتنی بر اصل ابراز یا منع محبت است. در این روش هرگاه متربی شایستگی نشان دهد و خود را قابل محبت مربی گرداند، مربی او را از عطایایی که مظهر محبت است، بهره ور می‌سازد و اگر از وی نالایقی سر زند، مربی او را از مهر و عنایات که به وی ارزانی داشته، محروم می‌نماید.(خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص۱٦۰).ابراز محبت مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند لازمه و زمینه تاثیر گذاری مربی و متربی می‌باشد. مربی با روش عطا، متربی را دلبسته خویش می‌گرداند و این دلبستگی بسیار قدرتمند و کارساز است و می‌تواند موجب تقویت و پایداری متربی در عمل اخلاقی بشود و با تکیه بر آن متربی را آماده و بلکه طالب به دوش گرفتن تکالیف سازد.

ویژگی روش عطا و حرمان در ابراز محبت این است که محبت یا عدم محبت را در شکل کردار نمودار می‌سازد نه در قالب بیان. زبان کردار از منطق و نفوذ ویژه ای برخوردار است که

آن را در گفتار نمی توان جست ولی از آنجای که کردار، دلیل صدق گفتار است، این دو شیوه درکنار هم‌اند و مکمل یکدیگر. ابراز محبت هنگامی که جامه عمل بپوشد، به صورت اعطای هدیه و هبه به کسی و منع محبت به طریق محروم ساختن او از آنچه به وی ارزانی شده بود، نمودار می‌شود. خداوند متعالی این روش را نیز به کار گرفته است.

عَسىٰ رَبُّه إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يبْدِلَه أَزْوَاجًا خَيرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَئِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَئِحَاتٍ ثَيبَاتٍ وَ أَبْكَارًا. امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت‌کننده، زنانی غیر باکره و باکره! (بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم، ص۱۳۹ـ۱۶۵)

همان طور که عطا وسیله ابراز محبت و عامل موثری در تثبیت و تقویت متربی در امر تربیت است، حرمان نیز همچون عطا قدرتمند و موثر است زیرا حرمان منع مهر و محبت است. حرمان عامل نیرومند و بازدارنده است. برای مهار کردن متربی در تخطی و مانند عطا متربی را در عمل و رفتار اخلاقی استوار و ثابت قدم نگه می‌دارد. بنابراین نباید از این عامل قوی و موثر غافل شود وبه روشهای چون مجازات و تنبیه در مرحله اول اقدام نمود، اگرچه این روش‌ها از حیث تاثیر بسی پایین ترند.

نتیجه

بررسی روش‌های تربیتی سوره تحریم نشان می‌دهد که این سوره، با وجود کوتاهی نسبی، از ظرفیت قابل‌توجهی برای تبیین اصول و روش‌های تربیت فردی و خانوادگی برخوردار است. تحلیل آیات این سوره بیانگر آن است که تربیت قرآنی صرفاً به آموزش مفاهیم اخلاقی یا بیان بایدها و نبایدها محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی هدفمند و چندبعدی است که ایجاد صفات پسندیده، اصلاح رفتارهای نادرست و تثبیت ارزش‌های اخلاقی را در بر می‌گیرد. بر همین اساس، روش‌های تربیتی مورد بررسی در این پژوهش در سه دسته کلیِ ایجادی، اصلاحی و تثبیتی و تقویتی طبقه‌بندی شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های ایجادی با هدف شکل‌دهی به نگرش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای مطلوب به کار می‌روند؛ روش‌های

اصلاحی بر شناسایی و رفع انحراف‌های رفتاری و اخلاقی، از طریق موعظه، امر به معروف و نهی از منکر، توبه و دیگر شیوه‌های اصلاحی تأکید دارند؛ و روش‌های تثبیتی و تقویتی با هدف استمرار رفتارهای مطلوب، تقویت مسئولیت‌پذیری و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی مطرح می‌شوند. ایجاد بینش، توجه‌دادن به پیامد اعمال، تشویق و محرومیت متناسب با خطا، از جمله روش‌های مرتبط با این دسته‌اند.این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که تربیت در سوره تحریم را می‌توان فرایندی پیوسته دانست که از شکل‌گیری رفتار مطلوب آغاز می‌شود، با اصلاح خطاها ادامه می‌یابد و با تثبیت و تقویت ارزش‌ها به پایداری رفتار می‌انجامد. همچنین، توجه به مسئولیت فردی، توبه، تقوا و تناسب واکنش تربیتی با نوع خطا، از نکات مهم در برداشت تربیتی از این سوره است.در نتیجه، سوره تحریم می‌تواند چارچوبی قرآنی برای تحلیل روش‌های تربیتی فردی و خانوادگی فراهم آورد؛ بااین‌حال، اثربخشی عملی این روش‌ها در شرایط معاصر، نیازمند بررسی‌های مستقل و مطالعات تجربی است.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغه

ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی، **الخصال**، قم، نسیم کوثر،

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، قم، ۱۳٦۳.

آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی، **غرر الحکم و درر الکلم**، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸

بهشتی، محمد و دیگران، **آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن**، تهران، سمت، ۱۳۹۵.

بهشتی، محمد و دیگران، **مبانی تربیت از دیدگاه قرآن**، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

حاجی ده آبادی، محمد علی، **در آمدی بر نظام تربیتی اسلام**، قم، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.

حسین بن محمد بن مفضل، راغب اصفهانی، **مفردات الفاظ القرآن**، ترجمه و تحقیق سید غلامرضا حسینی خسروی، ج۳، ص۳۸ـ۳۹

خسرو شاهی، قدرت الله، **فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰

خمینی، روح الله، **چهل حدیث**، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷٤

داودی، محمد، **تربیت اخلاقی**، بی جا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸

دلشاد تهرانی، مصطفی، **سیری در تربیت اسلامی**، دریا، ۱۳۸۲

سید صغیر حسین شاه، **بررسی روشهای تربیت اخلاقی در قرآن**، (پیان نامه ارشد)

سیوطی، عبدالرحمن بن الکمال جمال‌الدین، **الدر المنثور فی تفسیر الماثور**، بیروت، دارالفکر، ۱٤۱٤ق

شریف رضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، ترجمه: حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸٦

طباطبائی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر قرآن**، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸

طبرسی، فضل حسن، **ترجمه تفسیر مجمع البیان**، مترجم علی کرمی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰

عاشوری لنگرودی، حسن، **تربیت و اخلاق اسلامی**، قم، زمینه‌سازان ظهور امام عصر علیه‌السلام، ۱۳۸۸

قطب، سید، **ترجمه فارسی فی ظلال القرآن**، مترجم: دکتر مصطفی خرّم دل، بی‌جا، نشر احسان، ۱۳۸۹

کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٧ق

مدرسی، محمد تقی، **تفسیر هدایت**، ترجمه احمد آرام، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۷

مطهری، مرتضی، **تبلیغ و مبلغ**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۷

مکارم شیرازی، ناصر، **تعزیر و گستره آن**، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع، ۱۳۸۳

ـــــــــــ، **تفسیر نمونه**، دار کتب اسلامیه، ١٣٦٧

نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم، ١٤٠٨ق